

مدل‌های کاربرست یافته‌های پژوهشی و نقش آن‌ها در مدیریت پژوهشی؛ به مثابه یک حوزه‌ی میان‌رشته‌ای

مسعود کبیری^۱

کارشناس ارشد پژوهشی گروه مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

چکیده

مدیریت پژوهشی به عنوان یک موضوع میان‌رشته‌ای که پیوند میان دو رشته اصلی «مدیریت» و «روش‌شناسی پژوهش‌ها»، به‌خصوص پژوهش‌های انسانی و اجتماعی است، مطرح شده است. کاربرست پژوهش یکی از مفاهیم بسیار مهم در مدیریت پژوهشی است که به اعتقاد برخی بی‌توجهی به آن، موجب بی‌ثمر ماندن تلاش‌های پژوهشی می‌شود و چگونگی برنامه‌ریزی برای آن در چارچوبی قرار می‌گیرد که به عنوان مدل‌های کاربرست شناخته می‌شود. در این مطالعه، معرفی مدل‌های کاربرست با هدف در اختیار داشتن تنوعی از چارچوب‌های استفاده از پژوهش به منظور انتخاب مواردی از آن‌ها برحسب وضعیت سازمانی انجام پذیرفته است. بدین منظور با انجام یک مطالعه مروری سعی شده است ویژگی‌ها و نقاط قوت و ضعف هر یک از مدل‌ها برجسته شود. سه نوع استفاده ابزاری، مفهومی و فرآیندی برجسته شده و در هر یک از این استفاده‌ها مدل‌های کاربرست متناسبی معرفی شده‌اند. مدل‌های ارتباطات، فشار علم، نشأت‌گرفته از دانش، حل مسئله، کشش تقاضا، اشاعه، استتار، فرآیند دانش به عمل و مدل‌های تلویحی کاربرست ابزاری پژوهش در استفاده ابزاری، مدل ارزشیابی پاسخگو، مدل کرونباخ، مدل روسی در استفاده مفهومی و مدل استفاده از پژوهش اوتوا، مؤسسات کانادایی پژوهش بهداشتی، چارچوب بافت ادراک کاربر، مشارکتی و مدل ارزشیابی متمرکز بر کاربرست، در استفاده فرآیندی مورد معرفی قرار گرفتند. این بررسی می‌تواند زمینه‌ای برای انتخاب مدل‌های کاربرست جهت کاربران متفاوت ایجاد کند. شرح این مدل‌ها به منظور اتخاذ یکی از روش‌ها جهت استفاده در سازمان‌ها و نهادهای مختلف پیشنهاد شده است. بر اساس گسترده مدل‌های کاربرست پژوهش می‌توان چنین برداشت کرد که این مدل‌ها بر اساس شرایط خاص موضوعی و منطقه‌ای به‌وجود آمده است و بنابراین در هنگام استفاده از آن‌ها نیز باید به خصوصیات خاص مدل‌ها و انطباق با ویژگی‌های سازمانی و محیطی توجه ویژه‌ای داشت.

کلیدواژه‌ها: مدل کاربرست، کاربرست پژوهش، استفاده ابزاری، استفاده مفهومی، استفاده فرآیندی.

به طور سنتی نقطه اشتراک دو موضوع مدیریت و روش های پژوهش، در کاربرد از روش های پژوهشی برای تبیین مفاهیم و ارائه نظریه های جدید در حوزه ی مدیریت شناخته شده بود. با این وجود، امروزه ارتباط دیگری میان این دو موضوع معرفی شده که به استفاده از اصول مدیریت بر منابع پژوهشی مرتبط است که به عنوان مدیریت پژوهشی شناخته شده است.

مدیریت پژوهشی حداقل از چهار منظر: کارکنان شاغل در مؤسسه، ایده های به وجود آمده، مدیریت منابع مالی (تحصیل، تخصیص و هزینه کرد منابع) و فرهنگ سازمانی، با سایر مدیریت ها متفاوت است (جین و ترایانندیس^۱، ۱۳۸۱). این چهار مبحث از جمله اصول اساسی مدیریت به شمار می روند. بنابراین مدیریت پژوهشی از این حیث، موضوعی میان رشته ای محسوب می شود. کاربست پژوهش به عنوان مدیریت بر پیامد منابع سرمایه گذاری شده نیز بخش اساسی در مدیریت پژوهش است که موضوع این مقاله به آن اختصاص دارد.

برای کاربست پژوهش، تعاریف گوناگونی عرضه شده است. برای مثال از نظر مؤسسات کانادایی پژوهش بهداشتی^۲ کاربست پژوهش شامل «تبادل، ترکیب و کاربرد اخلاقی دانش، درون نظام پیچیده ای از روابط میان پژوهشگران و کاربران» است (جاکوبسون^۳، باتریل^۴ و گئورینگ^۵، ۲۰۰۴: ۲۴۷). در این تعریف، می توان کاربران را شامل پژوهشگران، سیاست گذاران، تصمیم گیران (برای مثال مدیران و برنامه ریزان) یا بخش خصوصی در نظر گرفت. در کنار این مفهوم، مفاهیم دیگری نیز همچون انتشار^۶، اشاعه^۷ و کاربرد^۸ قابل تشخیص است (تترو^۹، گراهام^{۱۰}، فوی^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۸). در تلاش های انفعالی و برنامه ریزی نشده مسئولیت اصلی در جستجوی اطلاعات برعهده کاربر بالقوه است، درحالی که اشاعه، فرآیند فعالی برای گسترانیدن پیام است که شامل هدف گذاری و سازمان دهی شواهد و پیام ها به مخاطب مورد



1. Jian & Triandis
2. Canadian Institutes of Health Research
3. Jacobson
4. Butterill
5. Georing
6. Defusion
7. Dissemination
8. Implementation
9. Tetro
10. Graham
11. Foy

نظر می‌شود. هرچند تأکید این تعریف بر فرآیند است اما برخی اعتقاد دارند اشاعه می‌تواند هم به عنوان فرآیند و هم به عنوان پیامد^۱ در نظر گرفته شود (الیوت^۲، الوقلین^۳، راینسون^۴ و همکاران، ۲۰۰۳). کاربرد، فرآیند فعال‌تری است که شامل تلاش‌های منظم برای تشویق دریافت‌کنندگان شواهد پژوهشی از طریق مشخص کردن و غلبه بر موانع است.

لاویس^۵، رابرتسون^۶، وودساید^۷، مک‌لئود^۸ و آبلسون^۹ (۲۰۰۳) برای بحث در مورد راهبرد انتقال دانش پنج سؤال اساسی را مطرح کردند که عبارت بودند از: چه چیزی باید به تصمیم‌گیران انتقال یابد (پیام)؟ دانش پژوهشی باید به چه کسی انتقال یابد (مخاطبان پیام)؟ دانش پژوهشی باید توسط چه کسانی انتقال یابد (پیغام‌رسانان)؟ دانش پژوهشی چگونه انتقال می‌یابد (فرآیندهای انتقال دانش)؟ و دانش پژوهشی با چه اثری انتقال می‌یابد (ارزشیابی)؟

پرسش چهارم (فرآیندهای انتقال دانش) را می‌توان کانون اصلی مفهوم مدل‌های کاربردی دانست. برای تفکر در مورد مفهوم مدل‌های کاربردی ناگزیر خواهیم بود موارد دیگری را نیز مورد توجه قرار دهیم که از آن جمله پرسش‌های دوم (مخاطبان پیام) و سوم (پیغام‌رسانان) هستند. بدین‌سان تبیین حدود مفهوم مدل‌های کاربردی به یاری سایر پرسش‌ها امکان‌پذیر خواهد شد. آمارا^{۱۰}، اویمت^{۱۱} و لندری^{۱۲} (۲۰۰۴) نیز این پرسش را که دانش پژوهشی با چه هدفی و چگونه در سازمان‌های عمومی و خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به عنوان مرکز توجه در زمینه مدل‌های کاربردی مشخص کرده‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت در فرآیند انتقال دانش و کاربردی پژوهش، باید از چارچوب مفهومی برای نظم‌دهی به فعالیت‌ها و سازمان‌دهی به راهبردهای راهنمایی‌شده استفاده کرد (تیتلر^{۱۳}، ۲۰۰۴).

می‌توان چنین چارچوبی را مدل کاربردی نامید. مدل‌های کاربردی دارای ویژگی‌های

1. Outcome
2. Elliott
3. O'Loughlin
4. Robinson
5. Lavis
6. Robertson
7. Woodside
8. Mcleod
9. Abelson
10. Amara
11. Ouimet
12. Landry
13. Titler



خاصی هستند که از جمله مجرد بودن^۱ آن‌هاست؛ یعنی به فعالیت‌هایی ارجاع داده می‌شوند که در بسیاری از مکان‌ها اتفاق می‌افتند. همچنین این مدل‌ها در سازمان‌دهی چارچوب‌ها و فرآیندها برحسب جمعیت‌های هدف، ساختارها یا فرآیندها و نتایج ویژه متفاوت هستند (بی‌آ و نیکول^۲، ۱۹۹۷)؛ در نتیجه به محدوده وسیعی از عوامل شامل حرفه‌ای‌ها، پژوهشگران، سیاست‌گذاران و حمایت‌کنندگان از پژوهش وابسته هستند (تترو و همکاران، ۲۰۰۸).

به‌طور معمول چنین فرض می‌شود که اگر افراد اطلاعات مرتب‌تری در دست داشته باشند، از آن استفاده خواهند کرد، درحالی‌که شواهد نشان می‌دهد در پاره‌ای اوقات خلاف چنین موضوعی وجود دارد (لاکر^۳ و کنریک^۴، ۱۹۹۵). بنابراین مدل‌های کاریست سعی می‌کند نقش سایر عوامل تأثیرگذار به‌ویژه عوامل بافتی را در جریان استفاده از دانش پژوهشی برجسته کند و سپس نسبت به ایجاد زمینه‌ای برای استفاده مؤثرتر از دانش به‌دست‌آمده، ایفای نقش کند؛ با این حال، تنوع مدل‌های کاریست به پیش فرض‌های متفاوت آن‌ها در مورد نظام منابع (مواردی که دانش را به‌وجود می‌آورند) و نظام کاربر (مواردی که دانش را به‌کار می‌برند) مربوط می‌شود (کتفیان^۵، ۲۰۰۱).

با وجود کاربرد ویژه‌ای که مدل‌های کاریست در زمینه طرح‌ریزی انتقال دانش دارند، نقدهایی نیز بر آن وارد است از جمله این که بسیاری از این مباحث بر روی کاغذ است (هانی^۶، گنزalez-بلوک^۷، بوکستون^۸ و کوگان^۹، ۲۰۰۳) و قابلیت اجرایی آن در عمل مشخص نشده یا این که مباحث بیشتر به صورت نظری مطرح شده و کار تجربی و پژوهشی کمی روی آن انجام شده است (استابروکس^{۱۰}، ۱۹۹۹).

برخی نویسندگان نیز تعیین تنها برخی عناصر کلیدی انتقال دانش و هماهنگی پایین آن را با رویکرد کل‌گرا^{۱۱} نقطه ضعف مدل‌های کاریست دانسته‌اند، به‌طوری‌که ممکن است همه جنبه‌های فرآیند استفاده از دانش و تأثیر آن بر پیامدهای شغلی در نظر گرفته نشود (لوگان^{۱۲} و گراهام^{۱۳}، ۱۹۹۸).

1. Abstract
2. Beyea
3. Nicoll
4. Lucker
5. Kenrick
6. Ketefian
7. Hanny
8. Gonzalez-Block
9. Buxton
10. Kogan
11. Estabrooks
12. Holistic
13. Logan
14. Graham



توجه به نوع استفاده از یافته‌ها را می‌توان به پایان جنگ جهانی دوم نسبت داد. در آن زمان ارزیابان برنامه‌ها دچار این معضل شده بودند که توصیه‌های آن‌ها هیچ تأثیر مشخص و متمایزی بر تصمیم‌های مربوط به تعیین خط‌مشی به‌وجود نمی‌آورد. در آن زمان انتظار ارزیابان برنامه‌ها و پژوهشگران این بود که تصمیم‌گیران باید استفاده مستقیمی از نتایج پژوهشی به عمل آورند و سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی همیشه باید بر اساس شواهد پژوهشی اتخاذ شود؛ به عبارت دیگر، پژوهشگران انتظار داشتند یافته‌هایشان به‌طور ابزاری توسط تصمیم‌گیران مورد استفاده قرار گیرد. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی چالش‌هایی در دیدگاه ابزاری کاربرد پژوهش به‌وجود آمد و اهداف دیگری همچون استفاده مفهومی و استفاده سیاسی برای کاربرد یافته‌های پژوهشی شکل گرفت (آمارا، اویمت و لندری، ۲۰۰۴؛ کتفیان، ۲۰۰۱). بحث در مورد انواع استفاده از یافته‌های پژوهشی را در قسمت بعد و پیش از توضیح انواع مدل‌های کاربرد ارائه خواهیم کرد.

در این مطالعه در پی آن هستیم که با مروری بر مدل‌های کاربرد پژوهش، تجربیات و شیوه‌های استفاده از یافته‌ها را در دسته‌بندی قابل درکی، انسجام بخشیم تا در موقعیت‌های فراروی نسبت به طرح‌ریزی فعالیت‌های کاربرد، بینش وسیع‌تری داشته باشیم. در حقیقت شناسایی انواع استفاده از یافته‌های پژوهشی و دسته‌بندی این رویکردها، دو موضوع مورد بحث در این مقاله را تشکیل می‌دهند. بدین منظور مدل‌های کاربرد در قالب سه نوع متمایز استفاده مورد بررسی قرار خواهند گرفت. انواع استفاده نشان‌دهنده وضعیت کاملاً متمایز به‌کارگیری و استفاده از پژوهش است و مدل‌های کاربرد در هر یک از انواع استفاده، چارچوب‌های متنوع در درون آن دیدگاه را نشان می‌دهد. به همین دلیل در بحث از مدل‌های کاربرد سعی شده است مدل‌های کاربرد با توجه به ویژگی‌های مشابه در طبقه یکسانی از نوع استفاده قرار گیرند. در بررسی پیشینه منابع، انواع متفاوت استفاده از یافته‌های پژوهشی مشخص شده است که با توجه به دیدگاه پژوهشگران، ماهیت دانش و رشته مورد بررسی متفاوت خواهد بود. شاید گسترده‌ترین دسته‌بندی، دسته‌بندی هفتگانه نیلسون^۱ (۲۰۰۱) باشد. در این قسمت مهم‌ترین و مشهورترین انواع استفاده از یافته‌های پژوهشی معرفی می‌شود:

الف - استفاده ابزاری^۲

قدیمی‌ترین نوع کاربرد دانش استفاده ابزاری است که به استفاده از یافته‌های پژوهشی به عنوان

1. Neilson
2. Instrumental Use



اساس و معیاری برای عمل اشاره می‌کند. این نوع استفاده، به استفاده مجزا از نتایج پژوهشی در رفتار یا عمل یا ایجاد تصمیم مستقیم در مورد تغییر برنامه‌ها مربوط است (جانسون، ۱۹۹۸). با وجود گسترش این نوع تفکر در گذشته، اکنون مشخص شده جدای از این که این نوع استفاده به‌طور نادری اتفاق می‌افتد، بیشتر در سازمان‌های خصوصی (لندری، آمارا و لاماری، ۲۰۰۱) و در جنبه‌های سطوح خُرد (نیلسون، ۲۰۰۱) روی می‌دهد. بنا به تعریف می‌توان استفاده ابزاری را در «روش‌های ویژه و مستقیم شبیه حل مشکل خاص» تعریف کرد (لاویس و همکاران، ۲۰۰۳: ۲۲۸).

ب - استفاده مفهومی^۳

این نوع استفاده هنگامی اتفاق می‌افتد که پژوهش بر دیدگاه تصمیم‌گیران تأثیر گذاشته و فرآیندهای شناختی (تفکر) افراد را تغییر دهد. در حقیقت بدون درگیر شدن تصمیم‌گیران در تک‌تک تغییرات حاصل از نتایج، به تدریج دارای تفکر و ایده‌های جدیدی می‌شوند که هم‌راستا با نتایج پژوهش‌هاست و این تغییرات بر اثر تغییر نوع تفکر آنان است؛ در نتیجه تصمیم‌ها و فعالیت‌های آنان نیز مطابق با نتایج پژوهشی خواهد بود. طبق نظر نیلسون (۲۰۰۱) این نوع استفاده بیشتر در سطوح کلان اتفاق می‌افتد.

ج - استفاده نمادین^۴

این نوع استفاده به اسامی دیگری همچون «استفاده سیاسی» نیز شناخته می‌شود. این نوع استفاده از پژوهش به منظور آگاه ساختن تصمیم‌گیران انجام نمی‌شود بلکه بیشتر برای توجیه کردن وضعیت یا عملی که به دلایل دیگر اتفاق افتاده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت می‌توان این نوع استفاده را نابه‌جاسترین نوع استفاده از پژوهش دانست.

دو شکل از این نوع استفاده وجود دارد: استفاده مشروع^۵ که به استفاده از پژوهش برای توجیه تصمیم‌های از قبل گرفته شده مربوط است و استفاده متقاعدکننده^۶ که از پژوهش برای دفاع از موضوعات و متقاعد کردن افراد به عنوان قسمتی از فرآیند سیاسی استفاده می‌کند (جانسون، ۱۹۹۸).



1. Johnson
2. Lamari
3. Conceptual Use
4. Symbolic Use
5. Legitimative
6. Persuasive

به طور معمول استفاده از پژوهش برای توجیه تصمیم‌هایی که از قبل اتخاذ شده، به عنوان شاخص این نوع استفاده مورد توجه است. شکل دیگر این نوع استفاده از پژوهش مربوط به حالتی است که افراد برای به تأخیر انداختن عمل، درخواست می‌کنند اطلاعات بیشتری از طریق پژوهش فراهم شود که این نوع، استفاده تاکتیکی^۱ نامیده می‌شود (نیلسون، ۲۰۰۱؛ هانی و همکاران، ۲۰۰۳).

د- استفاده فرآیند

این نوع استفاده زمانی اتفاق می‌افتد که تغییرهای رفتاری و شناختی در اشخاص درگیر در پژوهش به عنوان نتیجه‌ای از مشارکت در اجرای پژوهش اتفاق می‌افتد. این نوع استفاده با استفاده‌های ابزاری و مفهومی دارای هم‌پوشی‌هایی است.

سه نوع استفاده ابزاری، مفهومی و نمادین در بسیاری از مقالات به عنوان انواع استفاده مشخص شده‌اند (آمارا، اویمت و لندری، ۲۰۰۴؛ شریر-روی، ۲۰۰۵؛ لویس و همکاران، ۲۰۰۳). جانسون (۱۹۹۸) استفاده فرآیند را به انواع استفاده‌های مورد اشاره افزوده است. در این مقاله با توجه به هدف تبیین روش‌های استفاده از یافته‌ها، سه نوع استفاده ابزاری، مفهومی و فرآیند مورد توجه قرار می‌گیرد و انواع استفاده‌ها به عنوان شکل کلی استفاده از پژوهش و مدل کاربست، به عنوان اشکال خاص هر نوع استفاده در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین انواع مدل‌های کاربست پژوهش در ذیل هر نوع استفاده ارائه می‌شود.

مدل‌های استفاده ابزاری

در این بخش به معرفی مدل‌هایی که به عنوان استفاده‌های ابزاری معرفی شده‌اند می‌پردازیم. برخی از مدل‌های به‌طور واضح به عنوان نوعی استفاده ابزاری مشخص نشده‌اند اما به علت ویژگی‌های خاص در این نوع استفاده قرار داده شده‌اند.

مدل ارتباطات: این مدل از نظریه عمومی ارتباطات گرفته شده است، به طوری که فرآیند برقراری ارتباط را شامل سه مؤلفه اصلی: منبع، کانال برای پیام و دریافت‌کننده پیام و در پاره‌ای اوقات همراه با مؤلفه چهارم «پس‌خوراند» در نظر می‌گیرد. در این مدل، وظیفه منبع پیام، برگرداندن پیام و وظیفه دریافت‌کننده، بازگرداندن پیام است (جانسون، ۱۳۷۲). در ارتباط با نشر یافته‌های پژوهشی،

1. Tactical
2. Schryer-Roy



پیامی که باید برگردان و سپس بازگردان شود، یافته‌های پژوهشی است؛ بنابراین پژوهشگران به منبع پیام تبدیل می‌شوند و هر کدام از مخاطبان دریافت‌کننده خواهند بود که به تناسب مخاطبان یا استفاده‌کنندگان، از کانال‌های متفاوتی بهره‌مند می‌شوند؛ در نتیجه شناخت استفاده‌کنندگان و تعیین شیوه‌های انتشار یا انعکاس، مهم‌ترین موضوع ایجاد این ارتباط است و برای برقراری آن، باید ابعادی چون ابعاد اجتماعی، فرهنگی، تحصیلی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

موفقیت در ایجاد ارتباط مؤثر از مشکلات این مدل است. به عبارت دیگر دانستن این که چه نوع اطلاعاتی را ارائه کنیم، در چه زمانی اطلاعات پردازش می‌شود و یا در چه محلی مورد کاهش، ذخیره، بازیافت و ارزیابی قرار می‌گیرد، از جمله دشواری‌های این مدل به‌شمار می‌رود (استاکینگ^۱، ۱۹۹۱). علاوه بر این، در این مدل ضرورت‌ها و اقتضائات لازم برای اجرا و استفاده اثربخش از تحقیقات مورد توجه قرار نمی‌گیرد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲).

مدل فشار علم: در این مدل، منبع پیشرفت در یافته‌های پژوهشی را تعیین‌کننده اصلی کاربست پژوهش در نظر می‌گیرند؛ از این رو پژوهشگران، منبع ایده‌هایی برای جهت‌گیری پژوهش بوده و کاربران پذیرندگان ساده‌ای برای نتایج پژوهش هستند؛ بنابراین، کاربست از نظم خطی پیروی می‌کند که از منبع تحقیق شروع شده و تا کاربست آن توسط سیاست‌گذاران و کارگزاران ادامه می‌یابد. در این مدل فرض می‌شود با افزایش تعداد انتشارات و همچنین تمرکز پژوهشگران بر نیازهای کاربران به‌جای تمرکز بر پیشرفت دانش تخصصی، کاربست پژوهش افزایش می‌یابد (لندری، آمارا و لاماری، ۲۰۰۱). این مدل از دو لحاظ مورد انتقاد قرار گرفته است: نخست آن که انتقال دانش به کاربران در بافتی که هیچ‌کس مسئولیتی برای آن ندارد، خودکار نخواهد بود و دوم آنکه اطلاعات پژوهشی خام، دانش مفیدی به شمار نمی‌رود و برای بهره‌برداری در جهت قابل استفاده کردن آن باید فرآیندی صورت پذیرد (همان).

مدل نشأت گرفته از دانش: چارچوب این مدل شباهت‌های زیادی با مدل پیشین دارد. در این مدل فرض می‌شود که پژوهش فرصتی را برای پژوهش مرتبط با خط‌مشی فراهم کرده که قابل کاربرد است (نیلسون، ۲۰۰۱). تأکید این مدل بیشتر بر پژوهش‌های بنیادی است.

مدل حل مسئله: این مدل با تعیین مسئله توسط یک کاربر آغاز می‌شود و پژوهشگر



1. Stokking
2. Science Push Model
3. Knowledge-Driven
4. Problem-Solving

راه‌حل‌های متعددی را تعیین و ارزیابی می‌کند. پس از مشخص شدن آن، کاربر باید از میان راه‌حل‌های ارائه‌شده توسط پژوهشگر، مناسب‌ترین راه را انتخاب کرده و سپس به کار می‌برد. به عبارت دیگر یک نوع رابطه مشتری - کارفرما در این مدل مورد توجه قرار می‌گیرد. برای ایجاد این رابطه باید یک فعالیت اعتمادسازی میان پژوهشگرانی که از نیازهای سیاست‌گذاران آگاهی دارند و از طرف دیگر بین سیستم تصمیم‌گیری که برای جذب یافته‌های پژوهشی مرتبط توانایی دارد، به وجود آید (هانی و همکاران، ۲۰۰۳). علاوه بر این مفروضه، وجود سلسله مراتب خطی در فرآیندهای کاریست نیز مورد توجه خواهد بود. این مدل به‌طور ضمنی مفهوم غالب از کاریست پژوهش به شمار می‌رود (نیلسون، ۲۰۰۱).

در نظر گرفتن مفروضه خطی و مستقیم بودن مراحل این مدل مورد انتقاد قرار گرفته است. به‌طوری‌که در اغلب موقعیت‌ها مشاهده می‌شود فرآیند کاریست به صورت خطی صورت نمی‌پذیرد (نیلسون، ۲۰۰۱).

مدل کشش تقاضا: این مدل شباهت‌های زیادی با مدل حل مسئله دارد. در این مدل نیز کارگزاران و سیاست‌گذاران همچون مشتریانی رفتار می‌کنند که آن‌چه از پژوهش می‌خواهند، تعریف کرده و پژوهشگران شبیه پیمانکارانی به دنبال حل نیازهای کاربران برمی‌آیند. در این مدل، کاریست تنها توسط نیازهای کاربران تبیین می‌شود؛ به عبارت دیگر در این مدل استفاده از دانش زمانی افزایش می‌یابد که پژوهشگران پروژه‌هایشان را بر اساس نیازهای کاربران متمرکز کنند (لندری، آمارا و لاماری، ۲۰۰۱).

علاوه بر این، بر اساس مطالعات انجام‌شده، در مواقع زیر کاریست پژوهش افزایش می‌یابد: زمانی که کاربران، پژوهش را مناسب می‌دانند، زمانی که پژوهش با نیازهای کاربران انطباق داشته باشد، زمانی که نگرش کاربران در راستای استفاده از پژوهش قرار می‌گیرد و زمانی که نتایج به کاربران در موقع مناسبی می‌رسد (لندری، آمارا و لاماری، ۲۰۰۱). با وجود این، برخی ادعا کرده‌اند حتی ممکن است پژوهش‌هایی که به منظور حل مشکلات انجام می‌شوند، کنار گذاشته شوند زیرا با علائق سازمانی کاربران در تعارض هستند. لذا علائق سیاسی کاربران را می‌توان به عنوان عامل اصلی تأثیرگذار در کاریست شناسایی کرد زیرا ممکن است با یافته‌های پژوهشی در تعارض باشند (ریچ^۲ و او^۳، ۱۹۹۳).

1. Demand Push
2. Rich
3. Oh



مدل کشش تقاضا از سه جهت مورد انتقاد قرار گرفته است: ۱) تمرکز زیاد بر استفاده ابزاری از پژوهش و در نتیجه غفلت از انواع متفاوت دانش که به استفاده‌های متفاوت منجر می‌شود، ۲) توجه زیاد به علائق خودپسندانه کاربران و ۳) حذف تعامل میان تولیدکنندگان و کاربران یافته‌های پژوهشی (لندری، آمارا و لاماری، ۲۰۰۱).

مدل اشاعه: در این مدل اشاعه زمانی رخ می‌دهد که کاربر بالقوه از نتایج پژوهشی آگاه شود. بر اساس این مدل، باید به وسیله توسعه مکانیزم‌های اشاعه، یک گام به فعالیت‌های پژوهشی اضافه شود تا اشاعه مفید را مشخص کرده و آن را به کاربران بالقوه انتقال دهد. در این مدل، دو عامل تعیین‌کننده کاربست هستند: تنوع نتایج پژوهشی و تلاش‌های مرتبط با اشاعه (همان). وجود اشاعه بیشتر احتمالاً تعداد بیشتری از تولیدات را در دسترس کارگزاران قرار می‌دهد و در نتیجه کاربست بیشتری را به همراه خواهد داشت. همچنین تجانس موارد قابل اشاعه با نیازهای کاربران سهم مهمی در افزایش کاربست آن خواهد داشت (همسلی - براون^۱ و شارپ^۲، ۲۰۰۳). با این وجود جریان یک‌طرفه انتقال اطلاعات و عدم تعامل میان پژوهشگران و کاربران از جمله انتقادات وارده به این مدل است. علاوه بر این، در بسیاری از فعالیت‌های اشاعه اطلاعات همانند مجلات تخصصی، تلاشی برای تناسب اطلاعات با کاربران انجام نمی‌شود.

به‌طور کلی مهم‌ترین نقطه‌ضعف مدل اشاعه را می‌توان در این دانست که کاربران بالقوه نه در انتخاب اطلاعات قابل انتقال و نه در تولید آن نقشی ندارند (همسلی - براون و شارپ).

مدل استتler^۳: این مدل فرآیندی شش‌گامی را برای کاربست پژوهش برمی‌شمارد که شامل آمادگی، اعتباریابی، ارزشیابی تطبیقی، تصمیم‌گیری، انتقال یا کاربرد و ارزشیابی است (مک‌کلینتون^۴، ۱۹۹۷). در هر یک از این مراحل، فعالیتی برای کاربست پژوهش دنبال می‌شود.

مدل فرآیند دانش به عمل^۵: این مدل دارای دو جزء تولید دانش و عمل است که هر جزء چندین فاز دارد. تولید دانش شامل سه فاز بررسی دانش، ترکیب دانش و ابزار یا تولید دانش است. در چرخه عمل، موضوع یا مشکل فردی یا گروهی مشخص می‌شود، دانش برحسب روایی و مفید بودن برای مشکل یا موضوع در دسترس ارزشیابی می‌شود، دانش برای برآزش



1. Hemsley-Brown
2. Sharp
3. Stetler
4. McClinton
5. The Knowledge-To-Action Process

با بافت محلی منطبق می‌شود، موانع و تسهیل‌کنندگان سنجیده می‌شوند و اطلاعات برای توسعه و اجرایی کردن برنامه و راهبردها برای تسهیل و ترغیب آگاهی و کاربرد دانش به کار می‌رود.

زمانی که برنامه اجرا شد، گام بعدی نظارت بر استفاده از دانش یا کاربرد طبق انواع استفاده از دانش است. این گام برای تعیین کارایی راهبردها و برنامه‌ها لازم است (گراهام^۱، لوگان^۲، و دیگران، ۲۰۰۶). در این مدل با آن‌که جزئیات زیادی از فرآیند عملی دانش جدا از سایر مدل‌ها برجسته نشده، اما بر نیاز به هماهنگی دانش جهت تطبیق با بافت محلی تأکید شده است (سدساواد^۳، ۲۰۰۷).

مدل‌های تلویحی کاربست ابزاری پژوهش

این دسته مدل‌ها به‌طور مجزا و همه‌جانبه‌ای به صورت یک مدل کاربست معرفی و مورد بررسی قرار نگرفته است بلکه از میان نوشته‌های برخی پژوهشگران و صاحب‌نظران استخراج شده است، لذا آن‌ها را در یک طبقه کلی به نام مدل‌های تلویحی قرار می‌دهیم. بیشتر این مدل‌ها را با نام ارائه‌کننده آن می‌شناسیم.

مدل کمپل^۴: بر مبنای این مدل، مسئولیت اصلی استفاده از پژوهش، در فرآیند سیاسی قرار دارد نه در پژوهشگر. پژوهشگر به عنوان دانشمندی شناخته می‌شود که پژوهش خود را با بهترین روش‌های ممکن انجام می‌دهد. با این حال، وی استفاده از یافته‌ها را به‌طور مستقیم ترغیب نمی‌کند. کمپل در پاره‌ای مواقع با خوش بینی فرض کرد پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شوند که خوب انجام شده باشند. در این مدل به‌طور واضح مشخص نمی‌شود که چه عواملی استفاده از پژوهش را به دنبال خواهند داشت (جانسون، ۱۹۹۸).

مدل اسکریون^۵: در این مدل به یک مدل تجمعی یا گزارش مخاطبان توجه می‌شود که پژوهشگر نقاط قوت و ضعف یک برنامه را بررسی کرده و در مورد ارزش آن قضاوت می‌کند. مشتریان برنامه نیز همانند مشتریان سایر تولیدات، بر مبنای ارزش برنامه آن‌ها را انتخاب می‌کنند (همان).

1. Graham
2. Logan
3. Sadsawad
4. Campbell's implicit process-model
5. Scriven's implicit process-model



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۵۷

مدل‌های کاربست
یافته‌های پژوهشی ...

مدل وولی^۱: بیشتر نظرات وولی (۱۹۸۵، به نقل از جانسون، ۱۹۹۸) بر مبنای استفاده ابزاری از پژوهش بود. بر مبنای نظر او، پژوهش باید به طور مستقیم در خدمت نیازهای مدیریت باشد. مدل کازین و لیت وود^۲: در مدل این افراد، ۱۷ عامل مؤثر در سه مؤلفه انتزاعی تر قرار گرفتند که «محیط بهبود»، «ویژگی منابع اطلاعاتی» و «ویژگی ها و فرآیندهای تعاملی» نامیده شدند. این سه عامل به طور مستقیم بر کاربست تأثیر می گذارند. دو مؤلفه نخست از طریق تأثیرگذاری، اثرات غیرمستقیمی بر مؤلفه فرآیند تعاملی دارند (همان).

مدل راجرز^۳: در این مدل شش گام برای کاربست پژوهش در نظر گرفته می شود. مرحله اول (که با عنوان گام شناخته می شود) توسعه پژوهش نامیده می شود و سپس اشاعه و تحلیل برای پذیرش آن انجام می شود. گام چهارم شامل دو فاز اجرا و پذیرش است. متعاقب آن مرحله سازمانی کردن انجام می شود که طی آن یک یافته با فعالیت ها و سیاست های عادی و مداوم نظام اجتماعی هماهنگ می شود و در مرحله آخر پژوهش به دیگر نظام های اجتماعی گسترانده می شود (داویس^۴، پترسون^۵، هلفریچ^۶ و کونینگام سابو^۷، ۲۰۰۷).



مدل های استفاده مفهومی

پیش تر گفتیم که استفاده مفهومی یکی از انواع استفاده از پژوهش است که به استفاده فوری و مجزا از پژوهش اشاره نمی کند بلکه بر انباشت دانش از طریق تراکم یافته ها توجه می کند که تغییر تدریجی نگرش استفاده کنندگان را به بار خواهد آورد. این دیدگاه با نقد دیدگاه استفاده ابزاری به وجود آمد. برخی از صاحب نظران عقیده دارند، این انتظار که پژوهش به طور فوری بر کاربردهای خط مشی تأثیر بگذارد، بر مبنای پیش فرض های غیرواقعی استوار است، در عوض سهم بودن در دانش، به چالش کشیدن یا تغییر طرز تفکر سیاست گذاران و دست اندرکاران در رابطه با مشکلات، از جمله کارکردهای اصلی پژوهش است (نیلسون، ۲۰۰۱). غیرمستقیم و تراکمی بودن تأثیر شواهد پژوهشی موجب شده برخی صاحب نظران از اصطلاح «خزیدن»^۸

1. Wholey's implicit process-model
2. Cousin's & Leithwood's implicit process-model
3. Rogers
4. Davis
5. Peterson
6. Helfrich
7. Cunningham-Sabo
8. Creeping

برای توصیف نحوه استفاده از پژوهش در عمل استفاده کنند (شری‌پیر روی، ۲۰۰۵). بدین ترتیب می‌توان گفت اطلاعات تأثیر خود را می‌گذارد بدون آن‌که لزوماً به‌طور فعالی استفاده شود. با این حال، اوه (۱۹۹۷) ادعا کرد اطلاعات می‌تواند بدون لزومی برای داشتن تأثیر اثر بگذارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت رابطه مستقیم یک‌به‌یک میان کاربست اطلاعات و اثر آن وجود ندارد.

برخی مطالعات حاکی از اهمیت این نوع استفاده است. نیلسون (۲۰۰۱) با بررسی سه مطالعه به این نتیجه رسید که تصمیم‌گیران تمایل دارند به‌طور غیرمستقیم از پژوهش به عنوان منبعی از ایده‌ها، اطلاعات و جهت‌گیری استفاده کنند. گرچه این فرآیند به‌سادگی قابل تشخیص نیست، اما در بیشتر مواقع ممکن است اثرات عمیقی بر خط‌مشی‌ها داشته باشد حتی زمانی که ارزش‌های کنونی و امکانات سیاسی را به چالش بکشد.

شواهد برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد استفاده مفهومی بیش از استفاده ابزاری مورد استفاده قرار می‌گیرد تا جایی که ۶۰ درصد تصمیم‌گیران به‌طور مفهومی از شواهد پژوهشی استفاده می‌کنند (آمارا، اویمت و لندری، ۲۰۰۴). در دنباله مبحث، برخی مدل‌هایی که در استفاده مفهومی از پژوهش مطرح هستند، مورد توصیف قرار خواهند گرفت.

مدل ارزشیابی پاسخگو^۱: این برنامه توسط استاک^۲ مطرح شد. در این مدل جهت‌گیری‌هایی که از ارزشیابی برای برنامه در حال انجام و نیاز ذی‌نفعان به دست می‌آید، مشخص می‌شود. پس از این کار تصمیم‌های زیادی در مورد برنامه گرفته می‌شود. بر این اساس، به تجارب جانشین از برنامه توجه زیادی شده و استفاده از آن مورد توجه قرار می‌گیرد (جانسون، ۱۹۹۸).

مدل کرونیباخ^۳: هدف اصلی پژوهش در این مدل، استفاده مفهومی یا روشنگری^۴ است. پژوهشگر ممکن است در پایان پژوهش بخواهد یافته‌های خود را به‌طور مستمر در طول یک پژوهش به ذی‌نفعان انتقال دهد زیرا بسیاری از استفاده‌های پژوهش در زمان طولانی اتفاق می‌افتد. علاوه بر این، از وجود کمیته‌های کارشناسان برای ترکیب یافته‌های پژوهشی نیز استقبال می‌شود (جانسون، ۱۹۹۸).

مدل روسی: در این مدل برای افزایش استفاده از پژوهش، باید فعالیت‌های ارزشیابی با

1. Responsive evaluation model
2. Stake
3. Cronbach's implicit process-model
4. Enlightenment



نیازهای محلی منطبق شود. فرآیند برازش پژوهش با برنامه‌ها می‌تواند به عنوان رویکردی نسبت به افزایش استفاده از پژوهش دیده شود (جانسون، ۱۹۹۸).

مدل‌های استفاده فرآیندی

در سال‌های اخیر، توجه به استفاده‌های فرآیندی گسترش پیدا کرده، زیرا بر اساس شواهد مشخص شده، فقدان تعامل میان پژوهشگران و مخاطبان مشکل اصلی در درک یافته‌های پژوهشی است (لندری، لاماری و آمارا، ۲۰۰۳). بدین منظور فرآیند انتقال یک‌طرفه تغییر کرده و به فرآیند «تبادل» دو‌جته تبدیل می‌شود که در جریان آن پژوهشگران از تصمیم‌گیران و از طرف دیگر تصمیم‌گیران از پژوهشگران می‌توانند مواردی را بیاموزند. این وضعیت انتقال فرهنگی نامیده می‌شود (لاویس و همکاران، ۲۰۰۳). در این نوع استفاده فرض می‌شود کاربرست پژوهش به تعاملات نامنظم میان پژوهشگران و کاربران وابستگی بیشتری دارد تا به ترتیبی خطی که از نیازهای پژوهشگران آغاز شده و تا نیازهای کاربران ادامه می‌یابد و بنابراین حامیان این نوع استفاده پیش‌بینی می‌کنند تعامل پایدارتر و قوی‌تر میان پژوهشگران و کاربران، احتمالاً کاربرست بیشتری به همراه خواهد آورد (لندری، لاماری و آمارا، ۲۰۰۳). این تعامل می‌تواند هم در مراحل انجام پژوهش و هم در مرحله تصمیم‌گیری انجام پذیرد.

شواهد پژوهش نیز سودمندی این روش را نشان داده است. هوبرمن (۱۹۹۰)، به نقل از همسلی - براون و شارپ، (۲۰۰۳) با بررسی ۲۵ پروژه دریافت ارتباط خوبی که از قبل و در طول یک مطالعه پژوهشی برقرار می‌شود، رویکرد فعال‌تری را در اشاعه و کاربرست یافته‌ها، بعد از آن به وجود می‌آورد. او نتیجه‌گیری کرد میان نوع و میزان ارتباط در طول پژوهش و میزان ارتباط میان پژوهشگران و کاربران در بعد از تکمیل پژوهش، ارتباط وجود دارد. نتایج یک مطالعه در ایران نیز نشان می‌دهد گروه‌های متفاوت استفاده‌کننده از پژوهش، نگرش بهتری به مدل‌های تعاملی نسبت به سایر انواع مدل‌ها دارند (کبیری، ۱۳۸۵). مشابه چنین یافته‌ای در سایر مطالعات نیز ذکر شده است (لندری، آمارا و لاماری، ۲۰۰۱).

وجود تعامل میان پژوهشگران و تصمیم‌گیران موجب می‌شود تا این دو گروه از دغدغه‌های یکدیگر باخبر شوند. ارتباط موجب می‌شود پژوهشگران سؤالاتی را پاسخ دهند که سیاست‌گذاران در ذهن دارند و پاسخ آن‌ها در چارچوب زمانی مفیدی به آن‌ها ارائه شود (تترو و همکاران، ۲۰۰۸). استفاده از این رویکرد هنگامی توصیه می‌شود که موضوع تحقیق از پیچیدگی و عدم قطعیت زیادی برخوردار است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲).



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۶۰

دوره اول
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۸

با وجود سودمندی این نوع استفاده از پژوهش، انتقاداتی نیز بر آن وارد شده که احتمال سوگیری پژوهش از جمله مهم‌ترین نقاط ضعف آن به شمار می‌رود (لاویس و همکاران، ۲۰۰۳؛ لاکر و کنریک، ۱۹۹۵). در زیر برخی مدل‌های توصیه‌شده در این نوع استفاده معرفی می‌شوند:

مدل استفاده از پژوهش اوتاوا^۱: این مدل از ۶ عنصر نوآوری وابسته به شواهد، پذیرندگان بالقوه، محیط عمل، کاربردهایی از مداخلات، پذیرش نوآوری و پیامدهای منتج از کاربرد نوآوری تشکیل شده است (سدساوا، ۲۰۰۷) که فرض می‌شود در فرآیند استفاده از دانش تأثیر دارند. این مدل جزء استفاده‌های فرآیندی از پژوهش قرار می‌گیرد، زیرا استفاده از پژوهش را به عنوان فرآیند پویای تصمیم‌ها و فعالیت‌های افراد مرتبط با هریک از عناصر مدل ملاحظه می‌کند. در این مدل، همه عناصر مدل بر هم تأثیر گذاشته و از بقیه تأثیر می‌پذیرند (لوگان و گراهام، ۱۹۹۸). این تعامل پویا میان عناصر، این مدل را از مدل‌های سلسله‌مراتبی که یک نظم خطی را میان پژوهش تا مرحله اجرا در نظر می‌گیرد، متمایز می‌سازد.

مدل مؤسسه‌های کانادایی پژوهش بهداشتی^۲: در این مدل چرخه‌های پژوهشی پیشنهاد شده است که می‌تواند راهنمای مفهومی برای فرآیندهای عمومی انتقال دانش به شمار آید. در این مدل ۶ فرصت درون چرخه پژوهش مشخص شده است که به تعاملات، ارتباطات و مشارکت‌هایی یاری می‌رساند که به تسهیل دانش کمک می‌کند. این فرصت‌ها عبارت‌اند از:

- تعریف سؤال‌ها و روش‌شناسی‌های پژوهشی؛
 - انجام پژوهش (به صورت پژوهش مشارکتی)؛
 - انتشار یافته‌های پژوهشی به شکل ساده و قابل دسترس؛
 - قرار دادن یافته‌های پژوهشی به شکل هنجارهای دیگر دانشی، اجتماعی و فرهنگی؛
 - آگاه کردن تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ فعالیت‌ها توسط یافته‌های پژوهشی؛
 - اثرگذاری بر دوره‌های بعدی پژوهش براساس تأثیر بر استفاده از دانش (سدساوا، ۲۰۰۷).
- چارچوب بافت ادراک کاربر^۳:** در این چارچوب راهنمایی‌هایی ارائه می‌شود که می‌تواند توسط پژوهشگران و افراد برای درگیر کردن فرآیند انتقال دانش توسط افزایش شباهت‌ها و درک از گروه کاربر مورد توجه قرار گیرد. تمرکز اصلی این چارچوب بر موضوعاتی همچون

1. Ottawa Model Of Research Use
2. Canadian Institutes of Health Research
3. Understanding User Context Framework



گروه کاربران، موضوع، پژوهش، تعامل پژوهش - کاربر و راهبردهای اشاعه است (سدساواد، ۲۰۰۷). در مؤلفه گروه کاربران مواردی چون: جوّ سیاسی کاربران، انواع تصمیم‌های کاربران و ملاک‌های تصمیم‌گیری؛ در مؤلفه موضوع: چگونگی درگیر شدن گروه کاربران با موضوع، شناسایی سایر گروه‌های کاربر در رابطه با موضوع و شناسایی تعارض پیرامون موضوع؛ در مؤلفه پژوهش: دسترسی و کیفیت پژوهش و ارتباط با گروه کاربران و میزان تعارض پژوهش با گروه کاربران؛ در مؤلفه تعامل پژوهش - کاربر: میزان ارتباط فعلی و قبلی بین این گروه و سرانجام در مؤلفه راهبردهای اشاعه، مناسب‌ترین حالت تعامل و میزان اطلاعات در هر اطلاع را مورد بررسی قرار می‌دهند.

مدل مشارکتی^۱: در این مدل بر سه عاملی که کاربست پژوهش را ارتقا می‌بخشد، تأکید شده است: دسترس‌پذیری دانش، شایستگی برای انتقال و استفاده از دانش و ایجاد ساختار حمایتی که محیط نوآورانه‌ای را به وجود آورد (دوفالت^۲ و ویلی - لسن^۳، ۱۹۹۹). در این مدل نشان داده شده که هر یک از این عوامل با فراهم کردن منابعی برای مرور پیشینه شروع می‌شوند. همچنین این مدل ساختار مشارکتی را برای بهبود کیفیت در ایجاد و آزمون خط‌مشی‌ها و استانداردها ایجاد می‌کند.

مدل ارزشیابی متمرکز بر کاربرست^۴: در این مدل، ارزیاب تنها بر پیامدهای یک ارزشیابی توجه می‌کند، مخصوصاً هنگامی که به‌طور بالقوه بر استفاده واقع‌گرایانه استوار است و استفاده بالقوه را برای هر مرحله از ارزشیابی در نظر می‌گیرد. در این مدل مهم‌ترین کاربران، تصمیم‌گیران سازمانی هستند. اطلاعاتی که در تصمیم‌گیری مفید است، توسط یک طرح پژوهشی تولید شده و از طریق همکاری ارزیاب و کاربر مورد توجه اولیه قرار می‌گیرد. با انجام این مراحل، استفاده از نتایج توسط کاربران محتمل‌تر به نظر می‌رسد (پتون^۵، ۱۹۹۷).

نتیجه‌گیری

ویژگی‌های متفاوت سازمان‌ها و ملاحظه‌های اجرایی متفاوت ایجاب می‌کند شرایط استفاده متعددی، مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران پژوهشی قرار گیرد. در حقیقت به علت آنکه از

1. Collaborative
2. Dufault
3. Willey-Lessne
4. Utilization-focused evaluation model
5. Patton



پژوهش‌ها اهداف خاصی انتظار می‌رود و شرایط اجرایی متفاوتی در سازمان‌ها وجود دارد، گستره‌ای از مدل‌های کاربری در پاسخ‌گویی به این نیازها به وجود آمده است. شرح و توصیف این مدل‌ها به علت وجود پهنه وسیعی از روش‌ها و زمینه‌های قابل استفاده در نتایج پژوهشی صورت پذیرفته است. در این نوشته انواع استفاده به عنوان شکل‌های عمومی و کلی استفاده از پژوهش و مدل‌های کاربری به عنوان طرح‌ها و برنامه‌ها در درون هر یک از انواع استفاده در نظر گرفته شدند. با توجه به اهداف مطالعه و مبانی نظری موجود، سه نوع استفاده از پژوهش تحت عنوان استفاده‌های ابزاری، مفهومی و فرآیندی و تعدادی مدل‌های کاربری ذیل هر یک از این استفاده‌ها ارائه شد.

استفاده ابزاری به کاربرد مستقیم و خطی از یافته‌های پژوهشی اشاره دارد. در این نوع استفاده فرض می‌شود که می‌توان دقیقاً از یافته‌ها و نتایج حاصله از پژوهش در عمل برای حل مشکلات و یا بهره‌برداری در برنامه‌ها استفاده کرد. هر چند مدل‌های زیادی در این نوع استفاده وجود دارد، اما مفهوم کلی آن‌ها ناظر بر این مفهوم است.

استفاده مفهومی برخلاف استفاده ابزاری به کاربرد مستقیم و فوری از نتایج اشاره نمی‌کند بلکه به تغییر تفکر و طرز فکر کاربران اشاره داشته و چنین فرض می‌شود که با تغییر نگرش و نوع تفکر تصمیم‌گیران در جهت نتایج به دست آمده از پژوهش، اخذ تصمیم‌ها در مسیری همسو با یافته‌های پژوهشی را می‌توان انتظار داشت. تصور می‌شود تأثیری که از طریق این نوع استفاده از پژوهش حاصل می‌شود، زمان‌بر اما پایدار خواهد بود.

نکته مهم در استفاده فرآیندی، تعامل و همکاری میان پژوهشگران و کاربران پژوهشی است. این تعامل می‌تواند در مراحل مختلف انجام پژوهش و حتی پس از پایان آن مورد توجه باشد. تصور بر این است که با افزایش تعامل‌ها، این دو گروه با نیازها و ویژگی‌های یکدیگر بیشتر آشنا شده و لذا تولیدات پژوهشی قابل استفاده‌تری تولید می‌شود. به علت ویژگی‌های خاص این روش، گرایش بیشتری نسبت به آن وجود دارد.

تعدد مدل‌های کاربری پژوهش نشان می‌دهد در شرایط و وضعیت‌های متفاوت، طیف‌های خاصی از مدل‌ها می‌تواند مؤثر واقع شوند. بررسی پیشینه‌ای نیز نشان داد استفاده ابزاری، با آن‌که در عمل کمتر به کار می‌آید اما مفهوم مسلط‌تری از کاربری پژوهش است. در مقابل، توجه کمتری به استفاده‌های مفهومی و فرآیندی مبذول شده است؛ در حالی که این دو نوع استفاده می‌توانند عملاً مؤثرتر و کارآمدتر باشند؛ به طوری که، بر مبنای پژوهش‌ها و اظهارنظرها



استفاده مفهومی تأثیر ماندگارتری داشته و باید در سطح کلان تصمیم‌گیری به کار گرفته شود. استفاده فرآیندی نیز در کاربردهای عملی موافقت زیادی به خود جلب کرده است؛ لذا شناسایی این استفاده‌ها می‌تواند در به حداکثر رساندن و بهینه ساختن برای برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و به‌طور کلی کاربران از نتایج پژوهش‌ها بسیار سودمند باشد.

با وجود اهمیت شناخت و ویژگی‌های انواع استفاده‌ها و مدل‌های کاربست، این موضوعات به‌تنهایی نمی‌توانند در تدابیر اتخاذشده برای نزدیک کردن حلقه‌های پژوهش و اجرا مؤثر باشد. پژوهش‌ها و مطالعات تکمیلی برای شناسایی ویژگی‌های تک‌تک انواع استفاده به‌منظور پیشینه کردن فایده‌های آن‌ها لازم است. عوامل و متغیرهای متعددی در موفقیت انواع مدل‌ها و چارچوب‌بندی‌ها دخیل است.

احتمالاً میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل در مدل‌ها و استفاده‌های گوناگون متفاوت است. به عبارت دیگر اگر عاملی به عنوان عامل مهم در نوع خاصی از استفاده (به‌طور مثال استفاده ابزاری) شناخته شد، احتمال آن وجود دارد که این عامل در انواع استفاده‌های دیگر تأثیرگذار نباشد یا در صورت مؤثر بودن از درجه تأثیر یکسانی همانند تأثیر در سایر استفاده‌ها برخوردار نباشد. به این دلیل طرح‌ریزی پژوهش‌هایی برای شناسایی عوامل تأثیرگذار لازم است.

به علت متفاوت بودن ماهیت هر یک از استفاده‌ها، این تحلیل باید در هر یک از انواع استفاده به‌طور مجزا و تک‌به‌تک انجام پذیرد. این کار شناخت عمیق‌تر و کامل‌تری را با توجه به شرایط و اهداف خاص نشان می‌دهد. به‌طور مثال، در صورتی که قصد داشته باشیم تأثیرات پایدارتر و ماندگارتری از پژوهش را در ذهن مخاطبان و کاربران ایجاد کنیم، استفاده مفهومی مورد توجه خواهد بود. در رسیدن به این هدف عوامل و متغیرهای خاصی دخیل خواهند بود که احتمالاً متفاوت از عوامل مؤثر در برنامه‌ها و طرح‌ها برای استفاده ابزاری هستند؛ بنابراین پژوهش‌هایی لازم است که نوع و میزان اهمیت عوامل تأثیرگذار در هر یک از استفاده‌ها را نشان دهد؛ کاری که تاکنون به‌طور کلی و نه به صورت تفکیکی انجام پذیرفته است.

به‌طور کلی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سودمندی هر یک از روش‌ها و مدل‌های کاربست مطرح‌شده تنها زمانی مشخص می‌شود که در بوتۀ آزمایش قرار داده شود. ممکن است با توجه به ملاحظه‌های نظری، راهبردهای مشخصی در مدلی که دارای قابلیت خاصی است، فرض شده باشد اما فایده‌مندی روش به‌طور کامل در هنگام مواجهه با ملاحظات واقعی منعکس خواهد شد.



موضوع شایان توجه دیگر رعایت ملاحظه‌های بومی در استفاده و ساخت مدل‌هاست. تمامی مدل‌های معرفی شده با رعایت ملاحظه‌های سازمانی، اجتماعی و فرهنگی خاصی تدوین شده که ممکن است با ویژگی‌های بومی ما متفاوت باشد. هرچند کاربرد این مدل‌ها به‌طور کلی مفید است اما منطقی‌تر آن خواهد بود که یا این مدل‌ها را با ویژگی‌های جامعه خود منطبق ساخته یا به ساخت مدل‌هایی بر اساس ویژگی‌های خود روی آوریم. این ویژگی‌ها به ملاحظه‌های سازمانی، فرهنگی، اجتماعی و ساختار قدرت در جامعه ما برمی‌گردد.

پیشنهاد آخر در زمینه ساخت مدل‌های کاربری بومی و رعایت ملاحظه‌های اجرایی آن، نقطه‌نهایی تلاش‌ها در زمینه کاربری خواهد بود. برای رسیدن به این نقطه، شناخت موضوعات اثرگذار و مهم در این زمینه ضروری است، به‌طوری‌که بدون شناخت کامل آن‌ها عملاً ساخت مدل غیرممکن است. برای مثال در صورتی که از موانع استفاده از یافته‌های پژوهشی اطلاعی نداشته باشیم، نمی‌توانیم مدل کاربری پژوهش قابل قبولی ارائه دهیم. لذا برای موفقیت در ارائه مدل قابل اجرای کاربری پژوهش، لازم است مجموعه‌ای از پژوهش‌های زمینه‌ای صورت پذیرد که با استفاده از نتایج آن، مدل بومی کاربری پژوهش ارائه شود.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۶۵

مدل‌های کاربری
یافته‌های پژوهشی ...

منابع

- جانستون، جی. ان. (۱۳۷۲) روش‌هایی برای به کار بستن یافته‌های پژوهشی، مترجم: محمود مهر محمدی، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش.
- جین، آر. کی و تریاندیس، اچ. سی. (۱۳۸۱) مدیریت بر مدیریت ناپذیر: مدیریت سازمان‌های تحقیقاتی، مترجم: مهیار سرحدی و حسن محمدرضایی بیدگلی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۸۲) «موانع پژوهش‌مدار کردن تصمیم‌گیری در فرآیند برنامه‌ریزی درسی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۷۴، صص ۳۶-۷.
- کبیری، م. (۱۳۸۵) «بررسی و مقایسه نگرش سطوح مختلف استفاده‌کننده از نتایج پژوهشی نسبت به مدل‌های کاربست»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۶، صص ۵۹-۳۶.
- Amara, N., Ouimet, M., & Landry, R. (2004) "New evidence on instrumental, conceptual, and symbolic utilization of university research in government agencies", *Science Communication*, 26, PP. 75-106.
- Beyea, S. C. & Nicoll, L. H. (1997) "Research utilization models help disseminates research findings and ultimately patient outcomes", *AORN Journal*, 65 (3), PP. 640-642.
- Davis, S., M., Peterson, J. C., Helfrich, C. D., Cunningham-Sabo, L., (2007) "Introduction and Conceptual Model for Utilization of Prevention Research", *American Journal of Preventive Medicine*, 33 (1), s1-s5.
- Dufault, M. A., Willey-Lessne, C. (1999) "Using a Collaborative Research Utilization Model To Develop and Test the Effects of Clinical Pathways for Pain Management", *Journal of Nursing Care Quality*, 13 (4), PP. 19-33.
- Elliott, S. J., O'Loughlin, J., Robinson, K., Eyles, J., Cameron, R., Harvey, D., Raine, K., and Gelskey D. (2003) "Conceptualizing dissemination research and activity: The case of the Canadian heart health initiative" *Health Education & Behavior*, 30 (3), PP. 267-282.
- Estabrooks, C. A. (1999) "Modeling the individual determinants of research utilization", *Western Journal of Nursing Research*, 21 (6), 758-772.
- Graham, I. D., Logan, J., Harrison, M. B., Straus, S. E., Tetroe, J., Caswell, W., et al. (2006) "Lost in knowledge translation: Time for a map?", *The Journal of Continuing Education in the Health Professions*, 26, 13-24.
- Hanny, S. R., Gonzalez-Block, M. A., Buxton, M., & Kogan, M. (2003) "The utilization of health research in policy-making: concepts, Examples and methods of assessment", *Health Research Policy & Systems*, 1 (2).





- Hemsley-Brown, J., & Sharp, C. (2003) "The use of research to improve professional practice: a systematic review of the literature", *Oxford Review of Education*, 29 (4), PP. 449-470.
- Jacobson, N., Butterill, D., Goering, P. (2004) "Organizational factors that influence university-based researchers' engagement in knowledge transfer activities", *Science Communication*, 25 (3), PP. 246-259.
- Johnson, R. B. (1998) "Toward a theoretical model of evaluation utilization", *Evaluation and Program Planning*, 21, PP. 93-110.
- Ketefian, S. (2001) "Issues in the application of research to practice" *Setembro-outubro*, 9 (5), 7-12.
- Landry, R., Amara, N., & Lamari, M. (2001) "Utilization of social science research knowledge in Canada", *Research Policy*, 30, PP. 333-349.
- Landry, R., Lamari, M. & Amara, N. (2003) "The extent and determinants of the utilization of university research in government agencies", *Public Administration review*, 63 (2), PP. 192-205.
- Lavis, J. N., Robertson, D., Woodside, J. M., McLeod, C. M., Abelson (2003) "How can research organizations more effectively transfer research knowledge to decision makers?" *The Milbank Quarterly*, 81 (2), PP. 221-248.
- Lester, J. P. (1993) "The Utilization of Policy Analysis by State Agency Officials. Knowledge: Creation, Diffusion", *Utilization*, 14 (3), PP. 267-290.
- Logan, J., & Graham, I. D. (1998) "Toward a Comprehensive Interdisciplinary Model of Health Care Research Use", *Science Communication*, 20 (2), PP. 227-246.
- Luker, K. A., & Kenck, M. (1995) "Towards knowledge based practice evaluating a model of dissemination", *International Journal of Nursing Studies*, 32 (1), PP. 59-67.
- Mc clinton, J. (1997) "Stetler model of research utilization" Available Online in: www.kumc.edu/instruction/nursing/NRSG754/stetlermodel.html
- Neilson, S. (2001) IDRC-supported research and its influence on public policy (knowledge utilization and public policy processes: a literature review), *Evaluation unit IDRC*.
- Oh, C. H. (1997) "Issues of the new thinking of knowledge utilization: introductory remarks. Knowledge & Policy", *The International Journal of Knowledge Transfer and Utilization*, 10 (3), PP. 3-10.
- Patton, M. Q. (1997) *Utilization-focused evaluation* (3rd ed.), Beverly Hills, CA: Sage.
- Schryer-Roy, A. (2005) *Knowledge translation: basic theories, approaches and applications*, Retrived February, 24, 2006 from: [http://www.idrc.ca/uploads/user-s/11303578454/knowledge Translation-Basic-Theories-Approaches-and-Applications.pdf](http://www.idrc.ca/uploads/user-s/11303578454/knowledge%20Translation-Basic-Theories-Approaches-and-Applications.pdf)

- Stokking, K. M. (1994) "Dissemination and Diffusion of Knowledge and innovation" in: Husen, T., & Postleth-Waite, T. N. (Eds), *The International Encyclopedia of Education*, Second edition, Oxford, Pergamon.
- Sudsawad, P. (2007) *Knowledge Translation: Introduction to Models, Strategies, and Measures*, Wisconsin-Madison: The National Center for the Dissemination of Disability Research.
- Tetroe, J. M., Graham, I. D., Foy, R., Robinson, N., Eccles, M. P., Wensing, M., Durieux, P, Legare, F., Nielson, C. P. Adily, A, Ward, J. E., Porter, C., Beverley Shea, J. M. (2008) "Health Research Funding Agencies' Support and Promotion of Knowledge Translation: An International Study", *The Milbank Quarterly*, 86 (1), PP. 125-155.
- Titler, M. G. (2004) "Mathods in translation science", *Worldview on evidence base-nursing*, 1, PP. 38-48.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۶۸

دوره اول
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۸